

درس خارج فقه، مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

موضوع کلی: فصل فی الحيض

موضوع جزئی: سنّ حیض

سال تحصیلی: ۱۴۰۲-۱۴۰۱

تاریخ: ۲۰ دی ۱۴۰۱

مصادف با: ۱۷ جمادی الثانی ۱۴۴۴

جلسه: ۵۲

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در رابطه با سنّ حیض بود. در جلسه گذشته عرض شد که مرحوم آیت الله خویی (ره)، فرموده است که روایت مذکور از ابن ابی الحجاج که به سه طریق نقل شد، ضعیف است چون در سند مرحوم شیخ طوسی (ره) به ابن ابی الحجاج، دو نفر به نام ابن عبدون و علی بن محمد بن زبیر واقع شده‌اند که این دو نفر در رجال، توثیق نشده‌اند لذا این روایت زیر سؤال می‌رود. البته ابن عبدون از مشایخ و اساتید نجاشی است و مشکل سند روایت از جهت این شخص برطرف می‌شود، لکن مشکل علی بن محمد بن زبیر به قوت خود باقی است و روایت مذکور، قابل استناد نیست. بنابراین اولی این است که به موثقه عبدالله بن سنان تمسک شود؛

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: «إِذَا بَلَغَ الْغُلَامُ ثَلَاثَ عَشْرَةَ سَنَةً كُتِبَتْ لَهُ الْحَسَنَةُ وَ كُتِبَتْ عَلَيْهِ السَّيِّئَةُ وَ عُقِبَ وَ إِذَا بَلَغَتْ الْجَارِيَةُ تِسْعَ سِنِينَ فَكَذَلِكَ وَ ذَلِكَ أَنَّهَا تَحِيضُ لِتِسْعَ سِنِينَ»^۱.

عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) نقل کرده است که آن حضرت (ع) فرموده است که اگر پسر بچه به سن سیزده سالگی رسید، کارهای خوب او نوشته می‌شود و کارهای بد او نیز نوشته می‌شود و عقاب می‌شود [چون مکلف است] و اگر دختر بچه به سن نه سالگی برسد نیز برای او ثواب و عقاب نوشته خواهد شد و این به خاطر این است که در نه سالگی حیض می‌شود. از این روایت استفاده می‌شود که شروع حیض با اتمام نه سالگی است.

اینکه پایان حیض چه سنی است، مورد اختلاف واقع شده است و دلیل آن، این است که این مسأله در قرآن مطرح نشده است و لذا روایاتی که در این رابطه وارد شده‌اند باعث شده است که در رابطه با پایان سنّ حیض بین فقها اختلاف واقع شود. البته مشهور امامیه معتقدند که سن یائسگی در زنان سیّده شصت سال و در زنان غیر سیّده پنجاه سال است.

بعضی از عامّه حدّ یائسگی را هفتاد سال، بعضی دیگر آن را پنجاه سال، بعضی دیگر آن را پنجاه و پنج سال، بعضی آن را شصت و دو سال دانسته‌اند و بعضی نیز گفته‌اند که حیض اصلاً نهایت ندارد.

نظر امامیه در رابطه با سنّ یائسگی

قول اول، عده‌ای مثل مرحوم شیخ طوسی (ره) در کتاب نهاییه^۲ و در کتاب الجمل و العقود فی العبادات^۳، مرحوم ابن ادریس (ره) در کتاب سرائر^۴ و مرحوم محقق حلی (ره)^۵ در کتاب طلاق از کتاب شرایع، حدّ یائسگی را پنجاه سال دانسته‌اند.

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۹، کتاب الوصایا، باب ۴۴، ص ۳۶۵، ح ۱۲.

۲. شیخ طوسی، النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی، ص ۵۱۶.

۳. لم نعر علیہ فی الجمل لکن نسبہ إلیہ فی الحدائق، ج ۳، ص ۱۷۱.

۴. ابن ادریس حلی، سرائر، ج ۲، ص ۶۸۸.

۵. محقق حلی، شرائع، ج ۳، الفصل الثالث فی ذات الشهور، ص ۳۰.

از اطلاق کلام این بزرگان استفاده می‌شود که بین زنان سیّده و غیر سیّده فرقی نیست و سن یائسگی در همه آنها پنجاه سالگی است. **قول دوم**، قول مرحوم محقق حلی (ره) در کتاب طهارت از کتاب شرایع است و آن، اینکه گفته است که سن یائسگی شصت سال است مطلقاً؛ اعم از اینکه زن، سیّده باشد یا غیر سیّده باشد.^۱ مرحوم آیت الله حکیم (ره)^۲ از قول مرحوم علامه حلی (ره) در منتهی^۳ و مختلف^۴ نقل کرده است که سن یائسگی شصت سال است. به مرحوم اردبیلی (ره) در کتاب مجمع الفائدة و البرهان^۵ نیز نسبت داده شده است که سن یائسگی شصت سالگی است.

قول سوم، این است که سن یائسگی در زن سیّده شصت سال و در زن غیر سیّده پنجاه سال است. منشأ اختلاف مذکور، روایات مختلفی است که در این رابطه وارد شده‌اند که سه دسته روایت در این زمینه وجود دارند که در ذیل به این روایات اشاره می‌شود؛

دسته اول، روایاتی که بر این دلالت دارند که سن یائسگی، پنجاه سالگی است؛

روایت اول: عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ؛ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): «ثَلَاثٌ يَتَزَوَّجْنَ عَلَى كُلِّ حَالٍ أَلَّتِي لَمْ تَحِضْ وَ مِثْلُهَا لَا تَحِضُ»، قَالَ: قُلْتُ: وَمَا حَدَّثَهَا؟ قَالَ: «إِذَا أَتَى لَهَا أَقْلٌ مِنْ تِسْعِ سِنِينَ وَ أَلَّتِي لَمْ يُدْخَلْ بِهَا وَ أَلَّتِي قَدْ يَبَسَتْ مِنَ الْمَحِيضِ وَ مِثْلُهَا لَا تَحِضُ»، قُلْتُ: وَمَا حَدَّثَهَا؟ قَالَ: «إِذَا كَانَ لَهَا خَمْسُونَ سَنَةً»^۶.

این روایت بر این دلالت دارد که سن یائسگی، پنجاه سال است، مطلقاً؛ اعم از اینکه زن سیّده باشد یا غیر سیّده باشد. مرحوم آیت الله خویی (ره) فرموده است که این روایت به خاطر وجود سهل بن زیاد در سند آن، ضعیف است و قابل استناد نیست. **روایت دوم:** مُحَمَّدٌ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: «حَدَّثَ أَلَّتِي قَدْ يَبَسَتْ مِنَ الْمَحِيضِ خَمْسُونَ سَنَةً»^۷.

این روایت نیز بر این دلالت دارد که سن یائسگی، پنجاه سال است مطلقاً؛ اعم از اینکه زن سیّده باشد یا غیر سیّده باشد.

مرحوم آیت الله خویی (ره) فرموده است که این روایت از حیث سند، صحیح است.

دسته دوم، روایاتی که بر این دلالت دارند که سن یائسگی، شصت سالگی است؛

روایت اول: مرسله کلینی: قَالَ الْكَلْبِيُّ: وَ رَوَى: «سِتُونَ سَنَةً أَيْضاً»^۸.

این روایت مرسله بر این دلالت دارد که سن یائسگی شصت سال است مطلقاً؛ اعم از اینکه زن سیّده باشد یا غیر سیّده باشد.

روایت دوم: مُحَمَّدٌ بْنُ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ [الْفَضَالِ] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ؛ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ: «ثَلَاثٌ يَتَزَوَّجْنَ عَلَى كُلِّ حَالٍ أَلَّتِي قَدْ يَبَسَتْ مِنَ الْمَحِيضِ وَ مِثْلُهَا لَا تَحِضُ»، قُلْتُ:

۱. همان، ج ۱، الفصل الثانی فی الحيض.

۲. سید محسن، حکیم طباطبائی، مستمسک العروة الوثقی، ج ۳، ص ۱۵۴.

۳. علامه حلی، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ج ۲، ص ۲۷۲.

۴. علامه حلی، مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة، ج ۷، ص ۴۶۴، الفصل السادس.

۵. اردبیلی، مجمع الفائدة و البرهان، ج ۱، ص ۱۴۳.

۶. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۲، کتاب الطلاق، ابواب العدد، باب ۲، ص ۱۷۹، ح ۴.

۷. همان، ج ۲، کتاب الطهارة، ابواب الحيض، باب ۳۱، ص ۳۳۵، ح ۱.

۸. همان، ص ۳۳۶، ح ۴.

وَمَتَى تَكُونُ كَذَلِكَ؟ قَالَ: «إِذَا بَلَغَتْ سِتِّينَ سَنَةً فَقَدْ يَسْتَمِنُ مِنَ الْمَحِيضِ وَ مِثْلُهَا لَا تَحِيضُ وَ الَّتِي لَمْ تَحِيضْ وَ مِثْلُهَا لَا تَحِيضُ»، قُلْتُ: وَ مَتَى يَكُونُ كَذَلِكَ؟ قَالَ: «مَا لَمْ تَبْلُغْ تِسْعَ سِنِينَ فَإِنَّهَا لَا تَحِيضُ وَ مِثْلُهَا لَا تَحِيضُ وَ الَّتِي لَمْ يُدْخَلْ بِهَا»^۱.

این روایت نیز بر این دلالت دارد که سن یائسگی شصت سال است مطلقاً؛ اعم از این که زن سیّده باشد یا غیر سیّده باشد.

دسته سوم، روایاتی که بین زن سیّده و غیر سیّده تفصیل داده‌اند که به دو روایت مرسله در این رابطه اشاره می‌شود که بر این دلالت دارند که سن یائسگی برای زن غیر سیّده پنجاه سال است و برای زن سیّده بیش از پنجاه سال است؛

روایت اول: مرسله ابن ابی عمیر: عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: «إِذَا بَلَغَتِ الْمَرْأَةُ خَمْسِينَ سَنَةً لَمْ تَرَ حُمْرَةً إِلَّا أَنْ تَكُونَ امْرَأَةً مِنْ قُرَيْشٍ»^۲.

امام صادق (ع) در این روایت فرموده است که زن زمانی که به پنجاه سالگی برسد خون [حیض] نمی‌بیند مگر اینکه قرشیه باشد [که بعد از پنجاه سالگی نیز خون می‌بیند].

روایت دوم: مرسله صدوق: مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ؛ قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ (ع): «الْمَرْأَةُ إِذَا بَلَغَتْ خَمْسِينَ سَنَةً لَمْ تَرَ حُمْرَةً إِلَّا أَنْ تَكُونَ امْرَأَةً مِنْ قُرَيْشٍ وَ هُوَ حَدُّ الْمَرْأَةِ الَّتِي تَيَأَسُّ مِنَ الْحَيْضِ»^۳.

امام صادق (ع) در روایت مذکور، فرموده است که زن وقتی به پنجاه سالگی برسد خون [حیض] نمی‌بیند مگر اینکه آن زن، قرشیه باشد و این حدّی است که زن از حیض مأیوس می‌شود و یائسه می‌شود.

مرحوم آیت الله خویی (ره) روایات مرسله را قبول ندارد و حتی مراسیل ابن ابی عمیر را که بقیه پذیرفته‌اند و مراسیل ایشان را همانند مساندیش معتبر می‌دانند، قبول ندارد و گفته است که درست است که ابن ابی عمیر انسان خوبی است، لکن ایشان از ضعاف نیز روایت نقل کرده است لذا به صرف خوب بودن ابن ابی عمیر، نمی‌توان به مراسیل ایشان اعتماد کرد زیرا چه بسا آن روایت را از شخصی ضعیف نقل کرده باشد.

روایت سوم: مرحوم شیخ مفید (ره) نیز روایت مرسله ذیل را نقل کرده است؛

مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانِ الْمُفِيدِ فِي الْمُقْنَعَةِ؛ قَالَ: قَدْ رَوَى: «أَنَّ الْقُرَشِيَّةَ مِنَ النِّسَاءِ وَ النَّبْطِيَّةَ تَرِيَانِ الدَّمِ إِلَى سِتِّينَ سَنَةً»^۴.
در روایت مذکور، آمده است که زن سیّده و نبطیه تا سن شصت سالگی خون [حیض] می‌بینند.
در این روایت، نبطیه به قرشیه ملحق شده است.

در رابطه با اینکه نبطیه به چه زنانی گفته می‌شود، نقل‌های مختلفی وجود دارد؛

نقل اول، این است که در کتاب النهایة فی قریب الحدیث و الاثر از ابن اثیر آمده است که ابن عباس گفته است: «نحن معاشر قریش من النبط، من أهل كوثی»، قیل: «لأن إبراهيم الخليل عليه السلام ولد بها و كان النبط سكانها»^۵.

کوثی منطقه‌ای است به نام بابل که در عراق واقع شده است که در طرف شرقی نهر فرات است و محل تولد حضرت ابراهیم (ع) است و این شهر را سعد بن ابی وقاص بعد از جنگ قادسیه فتح کرده است.

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۲، کتاب الطلاق، ابواب العدد، باب ۳، ص ۱۸۳، ح ۵؛ ج ۲، کتاب الطهارة، ابواب الحيض، باب ۳۱، ص ۳۳۷، ح ۸.

۲. همان، ج ۲، کتاب الطهارة، ابواب الحيض، باب ۳۱، ص ۳۳۵، ح ۲.

۳. همان، ص ۳۳۶، ح ۷.

۴. همان، ص ۳۳۷، ح ۹.

۵. ابن اثیر، النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، ج ۵، ص ۹.

در بعضی از تعبیرات آمده است که نبطیه به تلّ ابراهیم معروف است چون محل انداختن حضرت ابراهیم (ره) در آتش بوده است که کوهی از خاکستر شده بوده است لذا به تلّ ابراهیم معروف شده است.

طبق این نقل، زنانی که از این منطقه باشند نیز همانند زنان سیّده تا شصت سالگی خون حیض می‌بینند و طبق تعبیر ابن عباس که به آن اشاره شد، زنان سیّده و نبطیه یک گروه هستند.

نقل دوم، فی حدیث علی (ع)؛ قال له رجل: أخبرني يا أمير المؤمنين (ع) عن أصلكم معاشر قریش، فقال: «نحن من كوثي»^۱. کوصی، منطقه‌ای گسترده بوده است و نبط، جزئی از آن محسوب می‌شده است. کما اینکه در تعبیر دیگری از ابن عباس نقل شده است که گفته است: نبط منطقه‌ای بوده است که عراقی‌های اصیل در آنجا زندگی می‌کرده‌اند.

عده‌ای نیز گفته‌اند که نبط، مکانی تاریخی است که منزل بنی عبد الدار در مکه مکرمه است و یکی از اسماء مکه نیز به نام آن است. در بعضی از تعبیرات، نبط به منطقه جنوبی حجاز و عربستان اطلاق شده است.

خلاصه اینکه، نبط به یک سرزمین و مکان اطلاق می‌شود. پس طبق نقل ابن عباس، قُرشیه و نبطیه با هم فرقی ندارند.

نکته: نبطی، قائلی ندارد لذا نمی‌توان گفت که زنانی که خون حیض می‌بینند سه دسته‌اند که قُرشیه، غیر قُرشیه و نبطیه می‌باشند و نبطی جدای از قُرشی باشد و خود شیخ مفید که روایت مذکور را نقل کرده است نیز قائل نیست که نبطی، حکم قُرشی را دارد.

«الحمد لله رب العالمین»

۱. محمد صالح بن احمد بن شمس، سروی مازندرانی، شرح الکافی، ج ۱۲، ص ۵۱۰.